



شکاف بین نسلها در افریقا

نوشته بوبکر لی



Photo: Georg Gerster © Rapito Paris

جوانان گرفتار بحرانی عمومی است، وضع فرق می‌کند. در افریقا، نظیر غالب کشورهای جهان سوم، سیل مهاجران جوان در جستجوی کار در معادن، کشتزارهای بزرگ و کارخانه‌ها و سایر جاهای دیگر از روستاها به شهرکها و شهرها سرازیر می‌گردد.

در کشورهای ساحل افریقا، این پدیده از دوره استعمار، یعنی از زمان ورود آنها به سیستم اقتصادی بین‌المللی شروع شد. عوامل دیگر از قبیل شرایط نامساعد جوی و قحطی نیز مهاجرت روستاییان را گسترش داده است. در گذشته مهاجران موقتی بودند ولی امروز مهاجران، هر جا می‌روند، قصد اقامت دائم دارند. به علاوه بسیاری از جوانان در صورت امکان به کشورهای صنعتی غرب مهاجرت می‌کنند. نتیجه اینکه مناطق روستایی کم‌جمعیت گشته و بیشتر پیرزنان و اطفال و سالمندان در دهات زندگی می‌کنند.

به طور کلی نسل جوان افریقا خود را محکوم به قبول سرنوشتی مختم می‌بینند که چون مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، مشاهده می‌شود زائیده عوامل بسیار است که مهمترین آن عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. از میان موجبات اقتصادی مسئله مالکیت زمین از همه مهمتر است و سایر عوامل عبارتند از: نامنظم بودن تولید

یکی از ویژگیهای بارز جامعه افریقا، مانند بسیاری از جوامع جهان سوم، میزان متوسط رشد جمعیت آن است. طبق بعضی برآوردها ممکن است جمعیت افریقا از این زمان تا پایان قرن بیستم به دو برابر افزایش یابد که در نتیجه این روند رشد، ترکیب سنی جمعیت افریقا بسیار جوان خواهد شد.

افزایش نسل جوان، هم در نواحی روستایی و هم در شهرهای بزرگ، مسئله‌ساز شده و حل مشکل همسازي آنان با جامعه منوط به آن است که یا مؤسسات تربیتی مربوط به جوانان بخوبی با جامعه هم‌رنگ و همگون باشند و یا اینکه تحقق مشارکت جوانان در جامعه‌ای موفق انجام پذیرد. در مورد افریقا که کل جامعه بخصوص در زمینه روابط با

بسیاری از جوانان سنگال عضو انجمنهای کمک متقابل به نام «ترادیشنال ام - بوتای» هستند. این انجمنها در زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی جامعه فعالیت می‌کنند. انجمنهای ام - بوتای یعنی جمع گروهی دوست مشترک که بنا به وابستگی‌هایی از قبیل سن، خویشاوندی، نژاد، علاقه مشترک به یک موضوع و یا صرفاً به خاطر با هم بودن، تشکیل می‌شود. وجود آنها در شهر و روستا مغتنم است و در مواقع زایمان، ازدواج و مرگ مددکار یکدیگرند و در امر برقراری جشنها و اداره انبارهای اشتراکی غلات، کمک مالی می‌دهند. در تصویر عده‌ای از اعضای انجمن ام - بوتای تشکیل جلسه داده‌اند.

به علت شرایط جوی، عقب‌ماندگی فناوری، و تمرکز صنعت در نواحی شهری.

موجبات اجتماعی به عوامل گوناگونی وابسته است که مهمترین آنها عبارتند از: عدم تساوی درآمد فردی بین نواحی شهری و روستایی، تمرکز فعالیتهای اساسی اجتماعی و (بخصوص) سیاسی در شهرها، محدودیت مشارکت جوانان در سازمان و امور اجرایی و فعالیتهای محلی، هیمنه بنیادهای اداری و ناظر بر مناطق روستایی، کمبود وسایل ارتباطی و رفاهی از قبیل: راه - برق - حمل و نقل - آب - بیمارستان - مدرسه - تسهیلات اطلاعاتی و تفریحات، یعنی مجموعه چیزهایی که زندگی در ده را خودکفا می‌سازد و جاذبه زندگی شهری را خنثی می‌نماید و از عوامل مؤثر در نقصان مهاجرت محسوب می‌شود.

عوامل فرهنگی نیز از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است زیرا رسوم و آداب که در جامعه ریشه دوانده بار سنگینی را به افراد تحمیل می‌کند و سبب



Photo: Le Soleil, Dakar



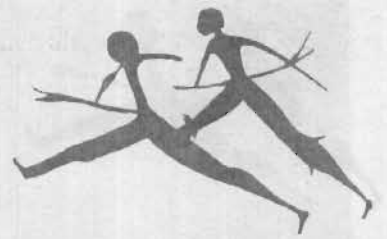
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

دسته‌ای از جوانان مالی با گلهٔ احنام دهکده از رود نیجر می‌گذرند. در کشور مالی که سن بیش از نصف جمعیت بین ۲۰ تا ۲۵ سال است، جوانان روستایی همسن در انجمنی سنتی به نام «ئِن» عضویت دارند که اعضای آن در کشاورزی و به‌طور کلی کارهای مهم مربوط به جامعهٔ خود فعال می‌باشند «تسن سی» قسمت فرهنگی انجمن احترام به گروه، حس همدردی و کمک متقابل را به جوانان می‌آموزد و آنان را برای زندگی در جامعه آماده می‌سازد.

مدرسه رو می‌باشند. با همهٔ سعی فراوان و اعلامیه‌های مکرر اصولی در این باره، هنوز بسیاری از کودکان به هیچ مدرسه‌ای راه پیدا نمی‌کنند. در بعضی موارد حتی آمار تعداد شاگردان مدرسه‌رو پایین هم آمده است. با آنکه سازمانهای بیکار یا بیسودی به زبانهای ملکی تشکیل شده شاخص بیسودی در بین مردم اعم از جوانان و سالمندان رقم بالایی را نشان می‌دهد. درصد آمار کودکان مدرسه‌رو در مناطق روستایی به مراتب پایینتر از شهرکها و شهرهاست. مدارس در روستاها چنان کم و فاصلهٔ آنها از محل سکونت روستاییان چنان زیاد است که اغلب والدین ترجیح می‌دهند، فرزندان خود بخصوص دختران را در خانه نگاه دارند. گرچه تعداد مدارس در نواحی شهری با توجه به تعداد کثیر متقاضی محدود و کم است، با این حال وضع شهرها در این مورد به مراتب بهتر از روستاهاست. در هر دو مورد فوق، روش و شرایط تحصیل تعدادی از جوانان را کنار می‌گذارد و باعث اخراج و محرومیت

ارتباط دائمی فرد با گروه می‌شود. گرچه شرایط مادی در امر مهاجرت مهم بوده و باعث تسریع آن می‌گردد، ولی گاه جوان با ترک زادگاه خود احساس آزادی می‌نماید. جوانانی که بعضی دوره‌های آموزشی را گذرانده‌اند در این خصوص حساسیت بیشتری دارند و قسمت عمده‌ای از تودهٔ مهاجر از این قبیل افراد تشکیل می‌شود. زیرا برای آنان مشکلتر از سایرین است که در جامعهٔ زادگاه خود جایی برای خویش پیدا کنند. در واقع امر، تحصیل سبب می‌شود که آنها خود را در محیط زادبومی خویش بی‌قواره و ناجور ببینند. مدارس افریقایی تا به حال قادر نشده‌اند جوانان را همساز و مناسب برای جامعه بار آورند. با آنکه این واقعیت کاملاً پذیرفته شده که روش آموزشی میراث دورهٔ استعمار یا شکست روبرو گردیده و برای تحقق اصلاحات وسیعی در این زمینه کوششهایی به کار رفته است، معذک باید اذعان کرد که هنوز مسائل زیادی باقی است. یکی از این مسائل تعداد محدود و اندک کودکان





◀ آنها از ادامه تحصیل می‌شود. در نتیجه، تعداد کمی از شاگردان مدرسه و موفق به اتمام یک دوره تحصیلی می‌شوند، خصوصاً در مناطق روستایی تعداد کسانی که به مدارج بالاتر از ابتدایی می‌رسند، بسیار کم و نادر است. به علاوه مدرسه از واقعیت محیطی فرهنگی که در آن قرار گرفته، چنان بریده است که در بین نسل جوان یک نوع احساس بیگانگی بوجود می‌آورد و بدتر از آن این واقعیت است که روند تربیت اجتماعی نسل جوان، بویژه با توجه به نقشی که خانواده در این مورد ایفا می‌کنند، در خارج از مدارس تحقق می‌یابد. جوانان در مدارس، در محیطی با خصیصه روشنفکری، انتزاعی و دوری از واقعیتها پرورش می‌یابند که درست نقطه مقابل محیط

خانوادگی با خصوصیات شخصیت پذیری و اهمیت یافتن فرد و عاطفه حاکم بر آن قرار دارد. لزوم به کار بردن زبانی جدا از زبان مادری در مدارس، انتقال کودک را از خانواده به مدرسه مشکل می‌نماید و این امر در کودک تجربه و خاطره‌ای تلخ و ناگوار همراه با لطمه‌ای باقی می‌گذارد که باعث شکست و ناکامی کودک در مدرسه می‌شود. این دوگانگی زبان و محیط فرهنگی کار را دشوار و گاه غیرممکن می‌سازد. این ابهام پیچیدگی در برنامه‌های آموزشی مدارس و متن کتابها و جزوات که از بیان مکتون درونی فرهنگی خاص به زبان بیگانه، عاجز می‌ماند، به چشم می‌خورد. در این وضعیت کودکان که نه زبان و نه الگوهای فرهنگی ارائه شده را درک و لمس می‌کنند، سهولت دستخوش ناکامی در امر تحصیل می‌شوند. علاوه بر این، برنامه‌های آموزشی بدون در نظر گرفتن ویژگیهای خاص تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی منطقه تنظیم و تدریس می‌شوند. از سوی دیگر، آموزش حرفه‌ای در برنامه مدارس گنجانیده نشده و بدین منظور مؤسسات خاصی تأسیس

یافته که به هیچ وجه کافی نیستند و منطبق با نیاز قسمتهای مختلف تولیدی بوجود نیامده‌اند. بدین ترتیب برای جوانان مشکل است که خود را با نوعی از روشهای اقتصادی هماهنگ سازند که به قابلیتها و ثروت منطقه نمی‌افزایند. فعالیتهای منبث از این شیوه‌های اقتصادی، میراث دوران استعمار است که تحت شرایط تقسیم بین‌المللی کارها بهر منطقه معقول گردیده است. این عامل به اضافه سایر بحرانیهای محلی، در اصل، دو مسئله گریبانگیر زندگی کنونی جوان افریقایی، یعنی بیکاری و کمکاری را به وجود آورده است.

جمعیت روستایی که بنابه خصلت فصلی بودن کارشان با اشتغال ناقص روبرو هستند، مجبور به ترک روستا می‌شوند. جوانان شهری اعزام بیسواد و یا آنهایی که آموزشهایی را در سطوح مختلف دیده‌اند، با مسئله بیکاری مواجه هستند. اخیراً تحول تازه‌ای در جوامع افریقایی پدید آمده و آن بیکاری افرادی است که تحصیلات عالی دارند، و این امر بیش از هر عامل دیگری مبین رکود و بیکاری در این کشورهاست.

در جمهوری نیجر کلمه «ساماریا» (مشتق از کلمه هوسا به معنی جوانی) به گروههایی از نسل جوان اطلاق می‌شود که به طور سنتی در روستاها به وظایف محول از جانب رئیس «سارکین سامارا» (رهبر نسل جوان) عمل می‌کنند. امروزه «ساماریا» نام جنبش ملی جوانان نیجر است که اعضای جوان آن در بسیاری از پروژه‌های عمرانی از قبیل احیای جنگلها جلوگیری از پیشروی تدریجی صحرا و ایجاد مدارس و کلاسهای درس مشارکت دارند. در این عکس تعدادی از آنان در حال ساختن یک مدرسه دیده می‌شوند.

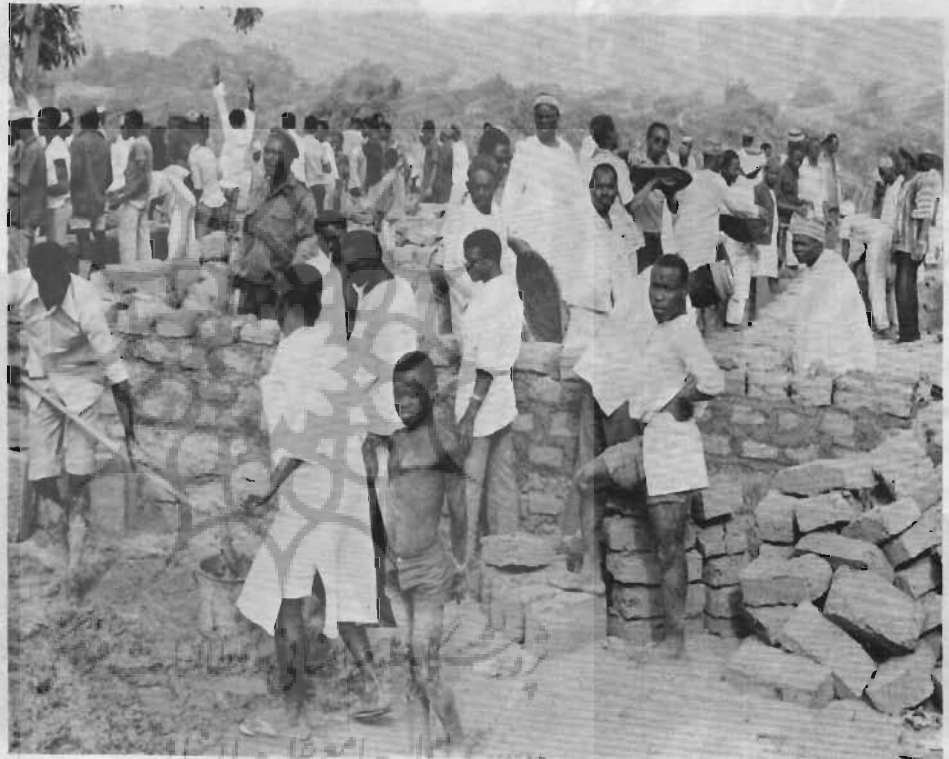


Photo © Ministry of Information of the Republic of Niger

سنت دیرینه نام (Nesam) که قدمت آن در یوکینا فاسو (ولنای علیای سابق) به چندین قرن می‌رسد، بر پایه برابری و کار مشترک به خاطر منافع جامعه بنیان یافت. امروزه نهضت نام مسجد احیا شده است و ریشه‌های آن هم در ساختار آموزشی و آگاهی مسئولیت به جوانان و هم به عنوان سازمان تولید روستایی، در سیستم فرهنگی و اجتماعی ده عمیقاً گسترش یافته است. از سال ۱۹۶۶ بیش از یک هزار گروه نام معمولاً متشکل از مردان و زنان یک دهکده یا ناحیه‌ای معین تشکیل یافته و اعضای آنها با گشت و زرع زمین، احداث جاه و سدهای کوچک و بسیاری کارهای عمرانی دیگر در توسعه جوان خود مشارکت دارند. در این تصویر یک گروه نام حوضچه‌ای در ایالت پانتنگا حفر می‌کند.



Photo Jack Ling, UNICEF

بیر و جوان، دوش به دوش، در یکی از دهکده‌های قبیله اوچاما در تانزانیا مشغول آماده سازی زمین برای زراعت هستند.

مسئلهٔ بیکاری تنها از نظر کمی مطرح نیست بلکه از لحاظ کیفی نیز باید مورد توجه قرار گیرد، چه کیفیت شغل‌های موجود برای جوانان تأثیر مستقیم در امر مشارکت آنان در امور جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، دارد. شرایط کار در روستاها چنان دشوار و محدود است که نسل جوان مجبور می‌شود به خیل تودهٔ کارگری غیرمولد و غیررسمی در شهرها بپیوندد که معیشت خود را با به کار انداختن زرنگی و استعداد و در بسیاری از موارد با ارتکاب تخلفات تأمین می‌کنند.

کارگران جوان اعم از مرد و زن به کارهایی می‌پردازند که به هیچ نوع مهارت و تخصص نیاز ندارد. آنها تودهٔ زحمتکش از طبقه کارگرانی هستند که می‌خواهند به هر قیمت زنده بمانند و از مرکز قدرت تصمیمگیری که معمولاً به دست اقلیت‌های خارجی اداره می‌شود، برکنارند و نیروی آنان صرف مقاصد می‌گردد که برایشان انتخاب کرده‌اند و اغلب مفایر با مصالح رشد جامعه است. بدین ترتیب این کارگران به خاطر منافع شماری معدود مورد استثمار و بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

کارگران و کارمندان قسمتهای سربستی و اداری و مالی نیز به علت آنکه از هرگونه مشارکت در امور و تصمیمگیری کنار گذاشته شده‌اند، احساس حقارت می‌کنند. آنها عموماً مأیوسند و احساس بی‌خاصیتی و بی‌فایده‌گی در مواردی در آنها پیش از حد بروز می‌کند. در کارهای اداری و واکنش آنان به صورت بیدقتی و اهمال و بی‌علاقگی ظاهر می‌گردد و گاه به انحرافات اجتماعی نیز منجر می‌گردد.

بحران اجتماعی مزبور با بحران دیگری که ناشی از خانواده است همراه می‌باشد. در گذشته افراد یک خانواده در بافتی وسیعتر از ترکیب فعلی خانواده‌ها با خصوصیت پدروسالاری هماهنگی و همسازی داشتند. امروزه خانواده‌ها هسته‌ای شده‌اند و هر کانون، مستقل از دیگری به زندگی جداگانه‌ای ادامه می‌دهد. این امر پدیدهٔ فردگرایی را در جامعه گسترش داده و با از میان رفتن تدریجی پدروسالاری که بیشتر در تنظیم و استحکام روابط اجتماعی مؤثر بود، مسئلهٔ اقتدار و مرکز قدرت در خانواده و در سطحی وسیعتر در جامعه را به وجود آورده است. نسل

جوان و نسل سالمند از تفاهم با یکدیگر عاجزند و نحوهٔ قضاوت هریک دربارهٔ دیگری با معیارها و قرینه‌های تاریخی و اجتماعی کاملاً متفاوتی صورت می‌پذیرند. در هر حال، جدال بین دو نسل، پنهانی است و به چشم نمی‌آید. رعایت سن و احترام به بزرگترها هنوز در زندگی مردم آفریقا باقی است و از لحاظ روانی مهم محسوب می‌شود. نسل جوان ضمن پذیرش اصول آزادی و ارزشهای فرهنگ خارجی، به نظم فرهنگی و اجتماعی رایج در جوامع دیگر کاری ندارد و از آن انتقاد شدیدی نمی‌کند.

عدم مشارکت نسل جوان با عدم احساس آگاهی ملی همراه گشته و این بدان مفهوم است که به‌طور کلی احساس هویت و همسازی با محیط اندک و نامحسوس است. کمبود حس آگاهی ملی اثرات زیادی در جامعه گذاشته است که از میان آنها یکی این است که چسرا آفریقاییها نسبت به رشد جامعهٔ خود بی‌تفاوتند.

مسئلهٔ نسل جوان در آفریقا ارتباط مستقیم با موضوع مشارکت دارد. اکنون باید دید چه می‌توان کرد تا جوانان به مسئولیتهای خود واقف شوند و به حرکت درآیند؟ به طور کلی، در درجه اول لازم است استراتژیهای رشد مورد ارزیابیهای مجدد قرار گیرند. هدف را بایستی به سمت استقلال از سیستم اقتصادی بین‌المللی مطوف داشت و نیز باید از عدم تساوی اجتماعی کاسته شود. برنامهٔ توسعه روستاها به منظور بالا بردن شرایط زندگی روستاییان به مورد اجرا گذاشته شود. اقدام اساسی در خصوص بازار کار و بافت اشتغال به عمل آید. سیاست مشارکت همه جانبه و سراسری جامعه در برنامه‌های رشد مورد تشویق قرار گیرد و ساختارهای تولید با در نظر گرفتن مشارکت هر چه بیشتر کارگران در روند تصمیمگیری و برنامه‌ریزی مورد تجدید نظر واقع شود. مؤسساتی به منظور توسعه و گسترش تعاونیها در سازمانهای تولید، حل مسئلهٔ اسکان (که نیازمند به تجدید نظر کلی در شهر و روستاست)، بهداشت، تعلیم و تربیت و تسهیلات رفاهی و تفریحی ایجاد گردد.

نسل جوان باید از امکانات تعلیم و تربیت برخوردار باشد و سیستمهای تعلیم و تربیت اصلاح شود، به نحوی که نیازمندیهای واقعی هر منطقه را برآورده سازد و به طوری که به مسائل محیط هر منطقه کاملاً توجه شود و خلاصه آنکه اصلاحات با ساختارهای تولید و اشتغال هر ناحیه مطابقت نماید. از مدهای آموزشی برگزیدهٔ خارجی حتی الامکان صرفنظر شود و در این باره به جوانان مسئولیتهای بیشتری واگذار گردد.

تشویق افراد به قبول مسئولیت تحوکی است که لازم است در تمام سطوح جامعه عمل بپوشد. نسل جوان را باید تشویق کرد تا برای ادارهٔ سازمانهای کشور خود و تشریح هدفهای این سازمانها در چهار چوب استراتژی رشد جهانی، قبول مسئولیت نماید. سعی و اهتمام کافی مصروف گردد تا جوانان و ادار شوند احساس کنند که جامعه متعلق بدانهاست و حس خلاقیت و روحیهٔ ابتکار و انتقاد سالم در آنها رشد کند و تقویت گردد.

بویکرلی (BOUBAKAR LY) مربی تعلیم و تربیت اهل سنگال، استاد علوم اجتماعی دانشگاه داکار است. نامبرده تألیفات اجتماعی بسیار در زمینهٔ مؤسسات آفریقایی دارد. مقاله حاضر چکیده‌ای است از گزارش نویسنده به سمپوزیوم بین‌المللی «جوانان و جمعیت و رشد در جهان سوم» که به وسیلهٔ سازمان ملل متحد در ژوئن ۱۹۸۴ در بخارست منعقد شد.



Photo Murray-Lee, UNICEF

